



Imam Sadiq Research Institute
for Islamic Sciences

Research Institute Social Studies

P. ISSN: 2345-5705 & E. ISSN: 2717-3720

Website: <http://gofteham.isri.ac.ir>

Volume: 1 ; Number: 1

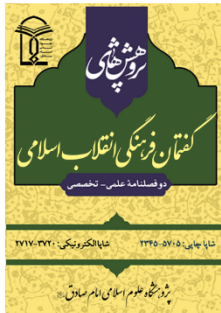
The Position of "Independenceism" in the "Discourse of The Islamic Revolution" and its Effect on the Sub-Discourse of "Resistance Economy"

Reza Abdi Gonabad*, Fateme Daneshvar**, Mohammadzadegan***
Fateme Miri Kolahkaj****

doi: <https://doi.org/10.22034/CDR.2021.140559>

Received: 2024/7/7 ; Accepted: 2024/6/18

Type of Article: Research
(94-121)



Abstract

The discourse of the Islamic revolution took a long step to cut the roots of the dependence of the states on the great powers by expressing the theory of "neither east nor west". For this reason, independence has been raised as a bold concept and a floating sign in this discourse. With the intensification of US sanctions and the revelation of some of the country's economic problems, we witnessed the emergence of independenceism in the literature of the leaders of the Islamic Republic in the form of resistance economic policy from the late 1980s onwards. Therefore, this article seeks to answer the question, what is the place of independence in the discourse of the Islamic Revolution and the sub-discourse of resistance economy? The obtained results indicate that independence plays an important role in the sub-discourse of resistance economy and its policies, such as "supporting national production and consumption of domestic goods", "managing consumption and reforming its pattern", "popularizing the economy". , "decrease dependence on oil" and "knowledge-based economy". In other words, independenceism, as the central signifier of the resistance economic sub-discourse, attempts to articulate and give meaning to these concepts. Considering these points, the general method used in this article is discourse analysis focusing on the approach of Ernesto Laclau and Chantal Mouffe.

Keywords: Independenceism, Discourse, Discourse Analysis, Resistance Economy, Islamic Revolution Discourse.

*. PhD in Cultural Policy, Faculty of Literature and Humanities, Imam Reza International University, Mashhad, Iran (corresponding author),
reza.aabedi@yahoo.com .

** . Master of International Relations, Faculty of Law and Political Sciences, Ferdowsi University, Mashhad, Iran, Fateme.daneshvar89@gmail.com

***. Master of International Relations, Faculty of Law and Political Sciences, Ferdowsi University, Mashhad, Iran, Fatemeh.64miri@yahoo.com.

****.???



جایگاه «استقلال‌گرایی» در «گفتمان انقلاب اسلامی» و تأثیر آن بر خرده‌گفتمان «اقتصاد مقاومتی»

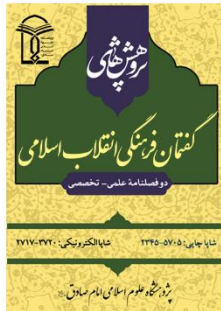
رضاعابدی گناباد*، فاطمه دانشور محمدزادگان**، فاطمه میری کلاه‌کج***

شناسه دیجیتال (DOI): <https://doi.org/10.22034/CDR.2021.140559>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۴/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۶/۲۸

نوع مقاله: پژوهشی

(۹۴-۱۲۱)



چکیده

گفتمان انقلاب اسلامی با بیان نظریه «نه شرقی نه غربی» گامی بلند برای قطع ریشه‌های وابستگی دولت‌ها به قدرت‌های بزرگ برداشت. به همین دلیل استقلال‌گرایی به مفهومی پررنگ و دال شناور در این گفتمان مطرح شده است. با تشدید تحریم‌های ایالات متحده و آشکار شدن برخی از مشکلات اقتصادی کشور، شاهد پررنگ شدن استقلال‌گرایی در ادبیات رهبران جمهوری اسلامی در قالب سیاست اقتصاد مقاومتی از اواخر سال‌های دهه هشتاد به این سو بودیم. لذا این مقاله در پی پاسخگویی به این پرسش است که استقلال‌گرایی چه جایگاهی در گفتمان انقلاب اسلامی و خرده‌گفتمان اقتصاد مقاومتی دارد؟ نتایج به‌دست آمده نشانگر آن است که استقلال‌گرایی نقش مهمی بر خرده‌گفتمان اقتصاد مقاومتی و سیاست‌های آن از جمله «حمایت از تولید ملی و مصرف کالای داخلی»، «مدیریت مصرف و اصلاح الگوی آن»، «مردمی کردن اقتصاد»، «کاهش وابستگی به نفت» و «اقتصاد دانش‌بنیان» دارد. به عبارت دیگر، استقلال‌گرایی به عنوان دال مرکزی خرده‌گفتمان اقتصادی مقاومتی به مفصل‌بندی و معنابخشی به این مفاهیم دست می‌زند. با عنایت به این نکات روش کلی به کار گرفته شده در این مقاله، تحلیل گفتمان با تمرکز بر رویکرد ارنستو لاکلاو و چانتال موفه می‌باشد.

واژگان کلیدی: استقلال‌گرایی، گفتمان، تحلیل گفتمان، اقتصاد مقاومتی، گفتمان انقلاب اسلامی.

- * دکتری سیاست‌گذاری فرهنگی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بین‌المللی امام رضا (ع) مشهد، ایران (نویسنده مسئول)، reza.aabedi@yahoo.com.
- ** کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران، Fateme.daneshvar89@gmail.com.
- *** کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران، Fateme.64miri@yahoo.com.

۱. مقدمه

گفتمان انقلاب اسلامی با بیان نظریه «نه شرقی نه غربی» توانست ابر نظمی جمعی مبتنی بر برابری دولت‌ها و حاکمیت‌ها و تحقق حقوق الهی و انسانی ملت‌ها در نظام بین‌الملل را رقم زند و با احیای ظرفیت‌ها و امکانات فراموش شده ملت‌های غیرمتعهد و نفی انفال و مرعوبیت در برابر استکبار، در صدد قطع ریشه‌های وابستگی ملت‌ها به قدرت‌های بزرگ و درافکندن طرحی نو برآید. این حقیقت بزرگ گفتمان انقلاب اسلامی را می‌توان در کلام و دغدغه‌های مقام معظم رهبری جستجو کرد و از سوی دیگر استمرار این نوع نگاه و توجه به تحول مزبور را در سیاست‌ها، راهبردها و روش‌های اجرایی و عملیاتی مبتنی بر اندیشه ایشان مشاهده کرد. اصرار بر استقلال از دیگر قدرت‌ها و بازیابی هویت ایرانی از جمله مسائلی است که بر آن تأکید شده است (جهان‌بین و معینی‌پور، ۱۳۹۳: ۳۰). یکی از مفاهیم مورد توجه ایشان مقوله اقتصاد مقاومتی است که با تأکیدات ایشان رشد قابل توجهی داشته است (دنگچی، ۱۳۹۴: ۱۷). هرچند تلاش برای استقلال و توسعه اقتصادی همواره مورد توجه رهبر انقلاب بوده است و این امر را می‌توان از نام‌گذاری سال‌های ۱۳۸۰ تاکنون تحت عناوین: «اشتغال‌آفرینی، اصلاح الگوی مصرف، همت مضاعف کار مضاعف، جهاد اقتصادی، تولید ملی حمایت از سرمایه ایرانی، حماسه اقتصادی، اقتصاد مقاومتی اقدام و عمل، اقتصاد مقاومتی تولید و اشتغال، حمایت از کالای ایرانی، رونق تولید و جهش تولید» ملاحظه کرد.

ابلاغ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در ۲۹ بهمن ماه ۱۳۹۲ در ۲۴ بند که ابعاد متعددی دارد، زمینه اجرای آن را در کشور به طور وسیعی فراهم کرده است. در این ابلاغیه با هدف تأمین رشد پویا و بهبود شاخص‌های مقاومت اقتصادی، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با رویکردی جهادی، انعطاف‌پذیر، فرصت‌ساز، درون‌زا، پیشرو و برون‌گرا ابلاغ گردید (حسین‌پور و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۰۸). و محورهایی مانند فعال‌سازی منابع مالی و سرمایه‌های انسانی و علمی کشور به منظور توسعه کارآفرینی و به حداکثر رساندن مشارکت آحاد جامعه و مردمی‌کردن اقتصاد، پیشتازی اقتصاد دانش‌بنیان، کاهش وابستگی به نفت، توانمندسازی نیروی کار، مدیریت مصرف با تأکید بر اجرای سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف و

ترویج و مصرف کالاهای داخلی همراه با برنامه‌ریزی برای ارتقاء کیفیت و رقابت‌پذیری در تولید، بیان شده است (رنجبریان، ۱۳۹۷: ۵).

بنابراین اقتصاد مقاومتی در حال حاضر جزو مهم‌ترین اهداف راهبردی کشور است. پرداختن به این موضوع به دلایل مختلف امری مهم و ضروری است. از یک طرف دشمنان ملت ایران تلاش دارند تا نسبت به درهم ریختگی اقتصاد ایران اقدام کنند و از ناحیه اقتصاد، ضرباتی را به ملت شریف ایران اسلامی وارد کنند و از طرف دیگر مقاومت در اقتصاد نسخه کارساز برای عبور از این مرحله است (بیانات امام خامنه‌ای ع، مرداد ۱۳۹۵). در واقع با توجه به تاکید مقام معظم رهبری ع به اجرای صحیح سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، باید از تمامی زیرساخت‌های موجود برای تحقق آن استفاده کرد. جمهوری اسلامی ایران با توجه به منابع و ذخایر طبیعی فراوان و استعدادها و مهارت‌های بالای نیروی انسانی، توان پیشرفت اقتصادی را دارد و اگر از الگوی اقتصاد بومی و علمی برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی که همان اقتصاد مقاومتی است پیروی کند، توان فائق آمدن بر مشکلات اقتصادی را خواهد داشت. با توجه به اهمیت این موضوع نویسندگان با تکیه بر دال شناور «استقلال‌گرایی» در گفتمان انقلاب اسلامی، و مطرح شدن این مفهوم به عنوان دال مرکزی خرده گفتمان اقتصادی مقاومتی به تبیین مهم‌ترین سیاست‌های تحقق اقتصاد مقاومتی می‌پردازند.

۲- پیشینه پژوهش

اقتصاد مقاومتی یکی از موضوعات جدید است و تاکنون آثار اندکی درباره آن نگاشته شده است. مقالات داخلی موضوع اقتصاد مقاومتی را با توجه به سخنان مقام معظم رهبری تحلیل می‌کنند. در این مقاله، سعی می‌شود از سه منظر با روش تحلیل گفتمان، اقتصاد مقاومتی به مثابه یک خرده گفتمان به عنوان زیر مجموعه‌ای از ابر گفتمان انقلاب اسلامی در نظر گرفته شود و جایگاه استقلال‌گرایی به مثابه دال شناور گفتمان انقلاب اسلامی در تحقق اقتصاد مقاومتی به بحث کشیده شود.

یوسفی و غفاری (۱۳۹۵) در مطالعه‌ای به بررسی نقش مردم در اقتصاد مقاومتی با

تأکید بر بیانات رهبر معظم انقلاب پرداخته‌اند. نتایج تحقیق آنها نشان داده نه تنها رهبری معتقد به مشارکت واقعی مردم در اقتصاد است، بلکه از نظر ایشان نظام جمهوری دارای یک ساخت حقوقی و یک ساخت حقیقی است. برای نظام اقتصادی هم که یکی از زیرنظام‌های نظام جمهوری اسلامی است، می‌توان یک ساخت حقوقی و یک ساخت حقیقی در نظر گرفت.

میلانی (۱۳۹۴) در تحقیقی با روشی توصیفی و تحلیلی به بررسی شاخص‌های اقتصاد مقاومتی و رابطه آن با خودباوری ملی می‌پردازد. از نظر وی تلاش برای تحقق و پیاده‌سازی آن فرصت‌های بی‌بدیلی همچون عدم وابستگی اقتصادی، افزایش تولید ملی و خروج از وضعیت تک‌محصولی را به دنبال دارد که با تکیه بر خودباوری ملی و عزم جهادی برای تحقق این هدف می‌توان به تحول اقتصادی و ارائه یک اقتصاد الگو دست یافت.

رضایی و میلانی (۱۳۹۵) در تحقیقی در پی بررسی نقش شرکت‌های دانش بنیان و پارک‌های علم و فناوری در تحقق اقتصاد مقاومتی می‌باشند. در این مقاله آن‌ها به تبیین عوامل بازیگر در اقتصاد دانش بنیان از جمله بنگاه اقتصادی دانش بنیان، توجه به نخبگان و استفاده از فناوری نوین، حوزه علمیه و دانشگاه و رسانه‌ها پرداخته‌اند.

شعبانی و نخلی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای سعی شده‌است با روش تحلیل عقلی و محتوا و استناد به متون بیانات مقام معظم رهبری درباره این الگوی اقتصادی، تحلیلی مقایسه‌ای میان مفاهیم رایج در ادبیات متداول اقتصادی و نیز مفهوم اقتصاد مقاومتی مدنظر مقام معظم رهبری انجام گیرد. در ادامه به هشت تعبیر و مفهوم مشابه اقتصاد مقاومتی اشاره می‌شود که تمرکز اصلی بر دو مفهوم تاب‌آوری و آسیب‌پذیری اقتصادی بعنوان شبیه‌ترین مفاهیم به اقتصاد مقاومتی است. از سوی دیگر با بررسی سابقه بیانات مقام معظم رهبری در حوزه مسائل اقتصادی کشور، به بیانات ایشان پرداخته می‌شود.

حسینی و رفیعی و حسینی (۱۳۹۹) در پژوهشی با استفاده از الگویی کارکردی مورد مطالعه مفهوم اقتصاد مقاومتی و الزامات و اهداف آن را مورد مطالعه قرار داده‌اند و با استفاده از ابعاد فرهنگی آن را تبیین نموده‌اند. نتیجه این پژوهش حکایت دارد که فرهنگ و اقتصاد

مقاومتی لازم و ملزوم یکدیگر هستند و مشخص می‌شود که اهداف اقتصاد مقاومتی با ابزارهایی محقق می‌گردد که همان ابعاد فرهنگی در حوزه رفتاری اقتصاد است. در واقع فرهنگ است که می‌تواند الزامات و در نهایت اهداف اقتصاد مقاومتی را تحقق بخشد. وجه تمایز نوشتار حاضر بررسی مقوله «اقتصادمقاومتی» به عنوان خرده گفتمانی از ایرگفتمان انقلاب اسلامی و با تمرکز بر مفهوم استقلال‌گرایی می‌باشد.

۳- چارچوب نظری و مفهومی: گفتمان

واژه گفتمان^۱ در طول زمان و توسط محققان در رشته‌های مختلف با معانی متفاوت ولی نزدیک به هم به کار برده شده است (یارمحمدی، ۱۳۹۱: ۱). گفتمان در دیدگاه فرکلاف چنین معنا شده است: «گفتمان عبارت است از به‌کارگیری زبان به منزله امور اجتماعی» (فرکلاف، ۱۹۹۵: ۷).

گفتمان کلیتی ساختاردهی شده است که از عمل مفصل‌بندی حاصل می‌شود. مفصل‌بندی عبارت است از گردآوری عناصر مختلف و ترکیب آنها در هویتی نو. گفتمان‌ها در واقع منظومه‌های معانی هستند که در آنها نشانه‌ها با توجه به تمایزی که بایکدیگر دارند هویت و معنا می‌یابند. گفتمان‌ها فهم و تصور ما از واقعیت و جهان را شکل می‌دهند. بنابراین معنا و فهم انسان همواره گفتمانی و لذا نسبی است (حقیقت و حسینی‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۰۶).

گفتمان از دهه ۱۹۷۰ به بعد در اشکال و قالب‌های مختلفی سر بر آورد که مهم‌ترین آنها قالب یا شیوه «تحلیل گفتمانی» است که به مثابه ابزار روش‌شناسی نوظهوری در عرصه علوم انسانی و علوم اجتماعی و از جمله علوم سیاسی سربرآورد (عابدی گناباد و آرمان طاهری، ۱۳۹۷: ۱۵۴). تحلیل گفتمان سعی دارد از توان رشته‌هایی چون زبان‌شناسی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و غیره برای مطالعه پدیده‌های اجتماعی سود جوید (قجری و نظری، ۱۳۹۱: ۳۲).

از میان اندیشمندان شاید بیش از همه میشل فوکو به مفهوم گفتمان پرداخته باشد. آن چنان که می‌توان گفت گفتمان ستون فقرات او را تشکیل می‌دهد (صولتی، ۱۳۹۳: ۶۷).

فوکو بر این باور است که گفتمان متشکل از تعداد محدودی از احکام است که می‌توان برای آن‌ها مجموعه‌ای از شرایط وجودی را تعریف کرد (فوکو، ۱۹۸۹: ۱۱۷). اما گفتمان در تعریف کلی برای او (۱۹۸۱) نظامی است که شیوه ادراک انسان از واقعیت را شکل می‌بخشد و آن را مقید و محدود می‌سازد. به بیان دیگر می‌توان گفت فوکو گفتمان را معنایی می‌داند که انسان بر جهان بار می‌کند. برای فوکو ایژه‌ها و پدیده‌های مادی، مادامی که در حوزه گفتمانی انسان وارد نشده‌اند، متعلق به فضای غیرگفتمانی هستند و انسان، تنها از خلال ساختارهای گفتمانی‌اش قادر به تجربه جهان مادی و تفکر در خصوص آن است (قهرمانی، ۱۳۹۳: ۴۰-۳۹). بدین ترتیب هر جامعه گفتمان مشخص خود را دارد و ساختار آن گفتمان بیان برخی اندیشه‌ها را ممکن و بیان برخی اندیشه‌های دیگر را که با آنها ناهم‌سازند ناممکن می‌سازد. فوکو نوعی نظریه گفتمان را بسط داد تا از آن به عنوان ابزار اصلی تحلیل‌های اجتماعی استفاده کند (چرنوف، ۱۳۹۰: ۳۲۷-۳۲۸).

لاکلا و موفه در کتاب «هژمونی و راهبرد سوسیالیستی» (۱۹۸۵)، گفتمان را به مجموعه معنادار از علائم و نشانه‌های زبان‌شناختی و فرازبان‌شناختی تعریف می‌کنند. در حقیقت آنها گفتمان را کلیت ساختاردهی شده می‌دانند که از عمل مفصل‌بندی شده به دست می‌آید (لاکلا و موفه، ۱۹۸۵: ۱۹۳). گفتمان سازنده معنا و ارتباطات اجتماعی است، شکل‌دهنده ذهنیت، روابط سیاسی و نیز روابط قدرت است (مطهرنیا، ۱۳۸۲: ۲۷).

در نظر لاکلاو و موفه همه چیز ماهیتی گفتمانی دارد یا نوعی سازه گفتمانی است و در ارتباط با دیگر اشیاء معنا می‌یابد. بر این اساس، اشیاء و کنشها تنها به عنوان جزئی از یک نظام معانی گسترده (گفتمان) قابل درک و فهم هستند. در نظر آنها، گفتمان مجموعه‌ای معنادار از دال‌های به هم مرتبط است که معنای خود را از صورتبندی گفتمانی و در تمایز با گفتمان‌های مخالف به دست آورده است. فهم انسان از جهان و عمل او ناشی از گفتمان‌ها است. در حقیقت، معنای اجتماعی گفتارها، کنش‌ها و نهادها همگی در ارتباط با بستر و زمینه کلی‌ای که بخشی از آن هستند درک می‌شود. بنابراین، موضوعات و مفاهیم برای معنادار بودن باید بخشی از یک چارچوب گفتمانی گسترده‌تر باشند. این مفهوم پردازی

از گفتمان به معنای رابطه‌ای بودن هویت گفتمان است یعنی گفتمان هویت خود را از طریق رابطه‌ای کسب می‌کند که بین عناصر مختلف برقرار می‌شود. در نتیجه بر اساس چگونگی ارتباط و پیوند عناصر مجزا، هم هویت فردی آنها شکل می‌گیرد و هم هویت مجموع آنها به عنوان کلیت واحدی به نام گفتمان. لاکلاو و موفه عمل جمع‌آوری اجزاء و عناصر مختلف و قرارگرفتن آنها در کنار هم و کسب هویت جدید را مفصل‌بندی می‌نامند. به نظر آنان مفصل‌بندی هرکنش و عملی است که رابطه‌ای میان عناصر گوناگون ایجاد نماید به گونه‌ای که هویت آنها در اثر این کنش تغییر کند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۶: ۵۳-۵۴).

مفصل‌بندی‌های هژمونیک گفتمانی جامعه را پیش می‌برند و فهم ما از جهان را شکل می‌دهند. در حقیقت گفتمان‌ها، «مفصل‌بندی‌های هژمونیک» هستند که در عرصه اجتماعی از تصور به عینیت تبدیل شده‌اند. مفصل‌بندی، موجب تولید نظام معنایی می‌شود و یک گفتمان، استیلائی نظام معنایی خاصی بر عرصه اجتماعی است. هژمونی یک گفتمان مبتنی بر انسجام معنایی دال‌های دیگر حول دال مرکزی است (عابدی گناباد و آرمان طاهری، ۱۳۹۷: ۱۶۴).

در صورتی که یک گفتمان موفق شود با اتکا بر دال مرکزی خود مدل‌های مد نظر خود را به دال‌های گفتمانش نزدیک کند، یا به عبارت دیگر، نظام معنایی مطلوب خویش را در ذهنیت جمعی اجتماع، هر چند به طور موقت، تثبیت کند و رضایت عمومی را جلب کند، آن گفتمان هژمونیک می‌شود (مانند گفتمان جمهوری اسلامی پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و یا گفتمان لیبرال دموکراسی پس از فروپاشی اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی در سطح بین‌الملل). اما در صورتی که گفتمان رقیب بتواند به کمک سازوکارهای مختلف این نظام معنایی را شالوده‌شکنی کند و ساختارهای معنایی شکل‌گرفته در ذهنیت جمعی مردم را درهم بریزد آن گاه این گفتمان هژمونی‌اش را از دست می‌دهد. بنابراین موفقیت گروه‌های سیاسی به توانایی‌شان برای تولید معنا بستگی دارد (عابدی گناباد، ۱۳۹۶: ۱۵۸-۱۵۶).

۴- گفتمان انقلاب اسلامی

گفتمان انقلاب اسلامی در مسیر انقلاب پدید آمد و بر رویکردهای اجتماعی تأثیر گذاشت. ریشه‌های شکل‌گیری گفتمان انقلابی در ایران متعددند اما همچون سایر تحولات، بخشی در مسائل داخلی و بخشی دیگر در عوامل خارجی ریشه دارند (رهبری، ۱۳۸۶: ۹۵). گفتمان انقلابی که از دهه ۱۳۴۰ مطرح شد با هدف دگرگونی در وضعیت موجود و به عنوان گفتمانی ایدئولوژیک، از همان ابتدا به دنبال جایگزینی جامعه مطلوب و آرمانی بوده و آرمان‌های خویش را بیرون از ساختارهای حاکم جستجو می‌نمود. این گفتمان که درون خود سه جریان عمده اسلام‌گرایی، مارکسیسم و روشنفکری دینی را جای داده بود، تحت تأثیر ورود افکار جدید، اجرای سیاست مدرنیزاسیون در ایران، تحولات جهانی و منطقه‌ای مواضع انقلابی اتخاذ کرد (رهبری، همان: ۸۹).

گفتمان انقلاب اسلامی، از ابتدای مبارزه علیه گفتمان پهلویسم با عام‌گرایی و گسترش خصلت استعاری خود به مفصل‌بندی تقاضاهای مختلف اجتماعی پرداخت و نمایندگی طیف‌های متنوع اجتماعی را بر عهده گرفت. با گسترش خصلت استعاری، مفاهیم متنوعی چون آزادی، دموکراسی، معنویت، تشیع، اسلام، دین‌داری، رفاه، عدالت، مردم و قانون در یک زنجیره هم‌ارزی در خصوصیت و غیریت با گفتمان پهلویسم معنا یافته و یکدیگر را در یک منظومه معنایی تکمیل کردند (ادیب‌زاده، ۱۳۸۷: ۲۲۵). گفتمان انقلاب اسلامی در ایران را باید به عنوان اعتراض اجتماعی و سیاسی علیه غیریت‌های ملی‌گرایی افراطی ایرانی، شبه مدرنیسم غربی، سکولاریسم و میلیتاریسم گفتمان پهلویسم تلقی کرد که از اصطکاک و دیالکتیک میان گفتمان مسلط شباهت با غرب و یاد گفتمان‌های تفاوت با غرب به وجود آمد (عابدی گناباد و آرمان طاهری، ۱۳۹۷: ۱۹۰). ناکامی سایر گفتمان‌های رقیب در غیریت‌سازی با گفتمان پهلویسم و غرب یکی از علل هژمونیک شدن این گفتمان بود (عابدی گناباد، ۱۳۹۶: ۱۷۶).

نگاه معنویت‌گرایانه، ارزشی، هویت‌خواهانه، فرهنگی و تمدنی در گفتمان انقلاب اسلامی بسیار پررنگ بود (عابدی گناباد، همان: ۱۷۹). در همین چهارچوب است که

«محمدرضا دهشیری» بر این باور است که: «انقلاب اسلامی ایران گفتمانی انقلابی و فرهنگی و استقلالی، مبتنی بر باورهای اجتماعی و ایستارهای ارزشی به ارمغان آورد» (دهشیری، ۱۳۸۸: ۳).

دال مرکزی اسلام سیاسی فقاهتی نظم معنایی و سیاست‌های داخلی و خارجی گفتمان انقلاب اسلامی را به وجود آورده است. و در نتیجه نوع انسان‌شناسی و ویژگی‌هایی که از



انسان در آن مفصل‌بندی مطرح می‌شود شاکله هویت افراد را رقم می‌زند. در اسلام سیاسی فقاهتی هم علم فقه نقشی مهم در شناخت قانون‌های دینی دارد هم فقها به عنوان کارشناسان معتبر دینی از جایگاهی خاص برخوردارند و روحانیون تنها مفسران معتبر شریعت به شمار می‌آیند و اسلام منهای روحانیت از دید آنها اسلامی بی محتوا، انحرافی و غیره تلقی می‌شود. مفاهیم اسلامی هم چون عدالت، حکومت مطلوب، آزادی، مشروعیت، حقوق بشر و غیره بر اساس اسلام سیاسی فقاهتی مفصل‌بندی شده و تئورسین‌های گفتمان انقلاب اسلامی هم چون «محمد حسین بهشتی» و «مرتضی مطهری» نیز بر اساس اسلام سیاسی فقاهتی عرضه شده توسط امام خمینی به مفصل‌بندی و تثبیت معنایی دال‌های گفتمان انقلاب اسلامی مبادرت نموده‌اند (هنری و آزر می، ۱۳۹۲: ۱۰۴-۱۰۳).

اسلام سیاسی فقاهتی به عنوان دال مرکزی گفتمان انقلاب اسلامی بیش از همه با غرب و سکولاریسم بیگانه می‌نمود. گفتمان اسلام سیاسی فقاهتی در غیریت‌سازی با پهلوی از یک سو، استبداد و گرایش‌های دین‌گریز را به نقد می‌کشید و از سوی دیگر، با غیریت‌سازی سکولاریسم روی برتافته از مادی‌گرایی و بی‌معنایی مدرنیته غربی، دل به معنویت و دین‌داری سنتی ایرانی می‌بست و می‌کوشید تا با تلفیق دین و توسعه و اخلاق و سیاست

راهی به سوی جهان نوین سرشار از معنویت و رفاه بگشاید (هنری و آزرمی: پیشین: ۱۱۱).
گفتمان انقلاب اسلامی در نظام جمهوری اسلامی ایران تجلی یافت و فضای استعماری و
زبانی تازه‌ای را در حیات سیاسی و فرهنگ سیاسی جامعه ایران پدید آورد (ادیب‌زاده،
۱۳۸۷: ۲۲۵).

الگوی گفتمان انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی و دال مرکزی آن
گفتمان انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی را به عنوان جامعه کامل و آرمانی معرفی و
بازنمایی می‌کرد که منعکس‌کننده خواسته‌ها و آرمان‌های سرکوب شده مردم به شمار می‌آمد.
اندیشه و گفتمان انقلاب اسلامی نه تنها برای نجات جامعه سرکوب شده و وابسته ایران،
راهی ارائه کرد، بلکه چشم‌اندازی نوین را در آن سوی مدرنیسم غربی نوید داد. به گفته میشل
فوکو، انقلاب ایران زایش روحی نو در جهان بی روح بود (فوکو، ۱۳۷۹: ۶۱). همچنین به
تعبیر او به نظر می‌رسید که در این چشم‌انداز فرامردن، معنویت با عقلانیت در هم آمیخته
و گونه‌ای نوین از حکومت پایه‌ریزی شده که در آن راهی برای معنویت در سیاست گشوده
شده است (فوکو، ۱۳۷۷: ۲۸).

منظور از گفتمان انقلاب اسلامی، پذیرش درونی و باور گزاره‌های زیر است:

۱- احیای اعتقادات و ارزش‌های اسلامی می‌تواند جامعه را به سمت پیشرفت و عدالت
سوق دهد.

۲- می‌توان با تکیه بر اعتقادات اسلامی در مقابله با سلطه بیگانگان مقاومت نمود.

۳- می‌توان با تکیه بر اعتقادات اسلامی، استقلال اقتصادی و آزادی در مناسبات جهانی
بیشتر حفظ نمود (اردکانی و دیگران: ۱۳۹۲: ۸۳-۸۲).

۵- جایگاه استقلال‌گرایی در گفتمان انقلاب اسلامی

استقلال مجموعه‌ای از «خودکفایی‌ها»، «خوداتکایی‌ها» و «بی‌نیازی‌ها» و «توانمندی‌ها»
است (مهدی‌پور، ۱۳۷۶: ۵). استقلال یعنی تکیه بر خود و عدم وابستگی به هرکس دیگر
(شعبانی، ۱۳۸۵: ۹۰). در این طرز تلقی، استقلال به معنای عدم دخالت قدرت‌های بیگانه
در امور کشور و استقلال عمل دولت در برابر قدرت‌های خارجی است (ستوده، ۱۳۹۳:

۴۳). پس استقلال عبارت است از «داشتن قدرت تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری همراه با اعمال این تصمیم‌ها و سیاست‌ها در حیطه حاکمیت».

استقلال از سه وجه سیاسی، فرهنگی و اقتصادی برخوردار است (عمار، ۱۳۹۱: ۱۲۳-۱۲۲). فرد یا جامعه و ملت استقلال طلب خواستار به حداقل رساندن و تحلیل بردن وابستگی‌ها و اتکا به بیگانگان است. استقلال دو جنبه دارد. استقلال خارجی یعنی؛ آزادی عمل در برقراری روابط با سایر کشورها و در مسائل خارجی به طور کلی. استقلال داخلی یعنی؛ آزادی عمل در چارچوب سرحدات کشوری. استقلال یک مفهوم حقوقی به معنای اعمال حاکمیت یک دولت در محدوده مرزهای جغرافیایی و دفاع از این مرزها در برابر تجاوز و دخالت‌های خارجی است. مفهوم استقلال در روابط خارجی یک دولت با دولت دیگر زمانی به کار می‌رود که یک دولت می‌تواند در سیاست خارجی از منافع، اهداف و امنیت ملی خود دفاع نماید. این استقلال شامل استقلال در سه مرحله سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری و اجرای آنها است که مصادیق آن در زمینه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، دفاعی و غیر ظاهر می‌شود (ستوده، ۱۳۹۳: ۴۴). تحقق سایر اهداف ملی تابعی از تحقق استقلال به معنای واقعی آن می‌باشد (عابدی گناباد و آرمان طاهری، ۱۳۹۷: ۲۷۸).

در نگاه اسلامی، عزت اسلام در استقلال اقتصادی، سیاسی و نظامی، و فرهنگی و فکری متجلی می‌باشد؛ در مقابل ذلت که در تمام این زمینه‌ها ظهور و بروز می‌کند (حسینی طهرانی، ۱۴۳۶: ۸۷). گراهام فولر، استقلال‌خواهی ایرانیان را از یک طرف محصول احساس ذاتی ناشی از فرهنگ غنی و امپراطوری باشکوه گذشته و از طرف دیگر، ناشی از وابستگی و حتی فقدان امنیت ملی ناشی از شکست‌های خفت‌آور و سلطه بیگانگان در طی قرون گذشته می‌داند. طبق این گفته، می‌توان بخش اعظم حساسیت ایرانیان نسبت به حفظ استقلال خود و همچنین، نسبت به مداخله قدرت‌های خارجی را که از سوی تحلیل‌گران غربی به بیگانه‌هراسی تعبیر شده است، ناشی از هجوم بیگانگان به خاک ایران و همچنین، توطئه دولت‌های خارجی در جهت حفظ نفوذ خود در آن دانست (عابدی گناباد، ۱۳۹۶: ۲۸۰).

قرارگرفتن ایران در موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیک بی‌نظیر باعث شده این کشور همواره در طول تاریخ مورد توجه قدرت‌های بین‌المللی و در معرض طمع و تهدید، مداخله و تجاوز آنها قرارگیرد و همین ذهنیت وجود عنصر خارجی، باعث ایجاد نوعی حس استقلال‌خواهی در ایرانیان و فرهنگ سیاسی آنها شده‌است. بنابراین، حساسیت ایرانیان نسبت به استقلال کشورشان، برخاسته از احساس ریشه‌دار تاریخی و جزئی از فرهنگ سیاسی آنها است.

با این حال یکی از ویژگی‌های رژیم پهلوی وابستگی به بیگانگان و عدم استقلال بود. این رژیم به دلیل برخوردار نبودن از پایگاه مردمی به عنصری وابسته و دست‌نشانده تبدیل شده بود؛ به گونه‌ای که دولت انگلیس پس از عزل رضاشاه، با پادشاهی محمدرضا مشروط به حسن رفتار موافقت کرد (زرگر، ۱۳۷۲: ۴۵۴).

«گازپوروسگی»، نویسنده معروف آمریکایی، رابطه شاه و آمریکا را از مصادیق بارز سلطه‌پذیری و سلطه‌گری در دنیا می‌داند (گازپوروسگی، ۱۳۷۱: ۳۴۶). همچنین رژیم پهلوی با به رسمیت شناختن رژیم صهیونیستی، ۷۵ درصد از نفت مورد نیاز این رژیم را تأمین می‌کرد (نصری، ۱۳۹۱: ۸۵).

وقوع انقلاب اسلامی در ایران، با استقلال‌خواهی، نقش بسیار مهمی داشته و هم یکی از اهداف اصلی آن معرفی شده‌است. استقلال‌خواهی به محور اصلی شعارهای انقلاب، که همگی بر قطع وابستگی از قدرت‌های غربی و استقلال همه‌جانبه ایران تأکید داشتند بدل شد (ستوده، ۱۳۹۳: ۴۴). در تأیید این برداشت از انقلاب اسلامی، می‌توان به تحلیل روح الله رضوانی در این زمینه اشاره کرد که به گفته او، وقوع انقلاب در ایران در سال ۱۳۵۷، به همان اندازه که مبین مخالفت ملت ایران با سیاست‌های داخلی شاه بود، نشان از ناخرسندی از سیاست خارجی او هم داشت، چرا که محور حمله مخالفان شاه به سیاست خارجی او را انتقاد از اتحاد عملی او با ایالات متحده تشکیل می‌داد و از همین رو، به او لقب شاه آمریکایی داده بودند (رمضانی، ۱۳۸۶: ۴۶).

حضور مستشاران آمریکا و تبدیل شدن ایران به متحد بلوک غرب و ژاندارم منطقه منجر

به تشدید خشم ایرانیان و رشد گرایش‌های استقلال‌خواهانه و ضد غربی شد. انقلابیون ایرانی محمدرضا پهلوی را در قامت یک دیکتاتور ضد دین و وابسته به غرب و آمریکا تفسیر می‌کردند که استقلال کشور را نابود کرده‌است. این تفسیر خود را در شعارهای ماه‌های مصادف با پیروزی انقلاب اسلامی و حتی پس از انقلاب نشان داد. مهم‌ترین شعارهای استقلال‌طلبانه ایرانیان در انقلاب اسلامی عبارت بودند از:

«استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی»

«نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی»

«نه شاه می‌خوایم نه بختیار، رهبر می‌خوایم با اختیار»

«استقلال، استقلال، این است ندای قرآن»

پس باید توجه داشت که استقلال‌خواهی به محور اصلی شعارهای انقلاب، که همگی بر قطع وابستگی از قدرت‌های غربی و استقلال همه‌جانبه ایران تأکید داشتند بدل شد (ستوده، ۱۳۹۳: ۴۴). بر اساس همین گذشته تاریخی و تأکیدات است که قانون اساسی ایران نیز پس از انقلاب به شدت گرایش‌های استقلال‌گرایانه دارد. لذا باید پذیرفت که استقلال‌گرایی به عنوان یکی از دال‌های شناور گفتمان انقلاب اسلامی مطرح می‌باشد.

۶- خرده‌گفتمان اقتصاد مقاومتی (تعریف و تاریخچه)

اقتصاد مقاومتی اگرچه مفهومی فرامکانی و تنها متعلق به ایران نیست. اما در جمهوری اسلامی ایران خرده‌گفتمان اقتصادمقاومتی از درون ابرگفتمان انقلاب اسلامی متولد شده است. و به اقتصادی گفته می‌شود که در شرایط دشواری، تهدید و دشمن بتواند به اهداف خودش برسد. این اهداف هم شامل اهداف مبنایی نظام اقتصادی اسلامی می‌شود و هم شامل اهداف تفصیلی انقلاب اسلامی یعنی استقلال اقتصادی، رفاه عمومی و پیشرفت (عبدالملکی: ۱۳۹۳: ۳۹). همچنین برای رسیدن به اقتصاد مقاومتی باید وابستگی‌های خارجی کاهش یابد و بر تولید داخلی کشور و تلاش برای خوداتکایی و استقلال تأکید گردد (رضائی و وثوقی، ۱۳۹۵: ۹۸).

حتی اقتصاد مقاومتی الگوی اقتصادی است که توان تحریم‌شکنی با رویکرد عقب‌راندن

نظام سلطه را داشته باشد و در عین حال، پیشرو، فرصت‌ساز، مولد، درون‌زا و بیرون‌گرا باشد. عبارتی دیگر اقتصاد مقاومتی، حالتی است که نظام اقتصادی در وضعیت تهدید جدی دشمن به خود می‌گیرد. در این حالت امنیت و استقلال اقتصادی در بین اهداف اولویت می‌یابد (هرورانی و خوشکلام خسروشاهی، ۱۳۹۵: ۴۶). رهبر انقلاب طی دیداری که در شهریور سال ۱۳۸۹ با جمعی از کارآفرینان داشتند، برای اولین بار کلیدواژه اقتصاد مقاومتی را مطرح نمودند. ایشان در این دیدار فرمودند: «از نظر نظام سلطه گناه بزرگ ملت ایران این است که خودش را از زیر بار سلطه آزاد کرده، می‌خواهند مجازات کنند به خاطر این گناه، که خودت را چرا از زیر بار سلطه، آزاد کرده‌ای. نمی‌فهمند باید چکار کنند و چه کار دارند می‌کنند. اما فشار می‌آورند؛ فشار اقتصادی از راه تحریم‌ها. ما باید یک اقتصاد مقاومتی واقعی در کشور به وجود بیاوریم. (بیانات امام خامنه‌ای ع، ۱۳۸۹/۶/۱۶).

مقام معظم رهبری در دیدار رئیس و نماینده‌گان مجلس شورای اسلامی، فرمودند: راه‌حل مشکلات اقتصادی و سیاسی کشور را نمی‌توان در بیرون مرزها پیدا کرد بلکه علاج واقعی مشکلات در درون کشور و تکیه بر ظرفیت‌ها و توانایی‌های داخلی است. تنها راه‌حل مشکلات کشور را اقتصاد مقاومتی و پرهیز از چشم دوختن به بیرون مرزها دانستند (بیانات امام خامنه‌ای ع، ۱۳۹۳/۳/۴).

با تدوین و ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، خطوط اساسی برای طراحی سخت افزار و نرم افزار یک نظام اقتصادی مطرح شده و اکنون در مرحله طراحی است و در نهایت، به مرحله اجرای این نظام خواهد رسید. مواد این سیاست‌های کلی، ۲۴ مورد است که به صورت مختصر به آنها اشاره می‌شود: کارآفرینی و مشارکت عمومی، اقتصاد دانش بنیان، فعال‌سازی مزیت‌های اقتصادی استان‌ها، نظام یارانه‌ها، سهم‌بری عادلانه عوامل تولید؛ اولویت تولید و تأمین کالاهای اساسی؛ امنیت غذایی؛ اصلاح الگوی مصرف؛ اصلاح نظام مالی؛ توسعه صادرات غیرنفتی، استفاده از ظرفیت مناطق آزاد ویژه؛ دیپلماسی اقتصادی، نفت و گاز به عنوان محور توسعه صنعتی کشور، میادین مشترک و الگوی بهره‌برداری از آنها، تأمین زنجیره ارزش در در داخل، کاهش هزینه‌های عمومی دولت، اصلاح نظام

مالیاتی؛ قطع وابستگی به نفت، مبارزه با مفسد اقتصادی، فرهنگ جهادی و ترویج آن، گفتمان سازی اقتصاد مقاومتی، بسیج همه امکانات دولت در این راستا؛ نظارت بر عملکرد بازار، استاندارد (عبدالملکی، ۱۳۹۳: ۳۴-۳۱). بنابراین در اقتصاد مقاومتی، مقاومت در برابر دو نیرو خواهد بود؛ نیروهای داخلی و نیروهای خارجی (دری نوگورانی و صالح افهانی، ۱۳۹۲: ۱۸۴). نیروهای داخلی می‌تواند شامل موانعی از قبیل بالا بودن نرخ بیکاری و تورم، نبود ثبات اقتصادی کلان، کسری بودجه در نرخ تولید ناخالص داخلی، عدم وجود اقتصاد دانش بنیان، عدم نظارت، ناکارآمدی بازارها در اقتصاد خرد، توسعه پایین اجتماعی، چیرگی دولت، نبود تجارت آزاد، و غیره باشد (رنجیر اردکانی، ۱۳۹۶) و نیروهای خارجی می‌تواند شامل تحریم و توطئه خارجی شود.

در مورد ضرورت اقتصاد مقاومتی برخی معتقدند ما در بخشی از مسیر تدام انقلاب اسلامی هستیم که به عصر شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی نزدیک شده‌ایم، لذا تمدن غرب نمی‌خواهد اجازه دهد که تمدن نوین اسلامی شکل بگیرد. آن‌ها برای اینکه انقلاب اسلامی را مهار کنند به آخرین ابزار خود یعنی اقتصاد مستمسک شدند که از این طریق بتواند جلوی شکل‌گیری تمدن اسلامی را بگیرند. رهبر انقلاب از نیمه دوم دهه هشتاد که تحریم با سرعت فعلی آغاز نشده بود هشدار دادند که جنگ بعدی ما در فضای اقتصادی خواهد بود. لذا هنوز تحریم‌ها آغاز نشده بود که رهبری روی تولید ملی و کاهش وابستگی به نفت تاکید داشتند. اقتصاد مقاومتی در واقع احیای اقتصاد قانون اساسی است. و احیای گفتمان اقتصادی انقلاب اسلامی است. (عبدالملی، ۱۳۹۵)

۷- تأثیر استقلال‌گرایی بر تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی

یکی از ایده‌هایی که همواره برای عموم مسلمانان مطرح بوده و در طول تاریخ، بر آن تکیه ویژه‌ای می‌شده است، اصل استقلال‌خواهی و دشمن‌ستیزی است (خاری‌آرانی و علی اکبرزاده آرانی، ۱۳۹۴: ۷۳).

از همان آغاز سیاست نظام پساانقلابی در ایران بر محور قطع همه وابستگی‌ها شکل گرفت. سیاست خودکفایی و خوداتکایی، هم در حوزه کشاورزی و هم در حوزه صنعت-

به‌ویژه در بخش علم و فناوری موفقیت‌هایی را کسب کرد (محمدی، ۱۳۹۲: ۲۶). پس از پیروزی انقلاب اسلامی وقتی گفته می‌شود جمهوری اسلامی ایران باید کشوری مستقل باشد، به این معنا است که در اداره امور کشور و تدوین و طراحی اهداف و مقاصد و برنامه‌های توسعه اقتصادی و سیاسی و غیره نباید هیچگونه اتکایی به حکومت‌ها و دولت‌های بیگانه داشته باشد. البته روشن است که استقلال و اتکا به خود به معنای نفی ارتباط با سایر دول و ملل منطقه و دنیا نیست (شعبانی، ۱۳۸۵: ۹۰). امام سیاست دولت اسلامی را حفظ استقلال می‌دانست. «ما استقلال می‌خواهیم، می‌خواهیم خودمان مملکت خودمان را اداره کنیم. نمی‌خواهیم تحت نظر دیگران باشد؛ مملکت مال ما است. خوب است مال ما، بد است مال ما. ما نمی‌خواهیم دیگران در مملکت ما دخالت کنند» (فرازهایی درباره استقلال از دیدگاه امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۲: ۵).

جالب آنکه در چهارچوب برداشتی استقلال‌طلبانه است که عدم پیروی از سلطه‌گر به عنوان یکی از شاخص‌های پیشرفت در نظر گرفته شده است (عابدی گناباد، ۱۳۹۳). همانطور که انقلاب اسلامی با توجه به نیاز خود به تأسیس نهادهایی با روحیه و عملکرد انقلابی اقدام نمود. امروز نیز باید برای تأمین اهداف انقلاب این پروژه را ادامه داده و تکمیل کند، چرا که انقلاب اسلامی به اقتصاد مقاومتی و به نهادسازی‌های مقاومتی در اقتصاد نیاز دارد (میلانی، ۱۳۹۴: ۱۱).

دستیابی به اقتصاد مقاومتی نیازمند بسترسازی و ایجاد شرایط و زمینه‌هایی است که اگر تحقق نیابد نمی‌توان امید داشت که اقتصاد مقاومتی در جامعه شکل گیرد. از مهم‌ترین مؤلفه‌ها و شاخصه‌های اقتصاد مقاومتی باید از خودباوری و اعتماد جامعه دانست؛ زیرا تا زمانیکه جامعه از نظر فکری و فرهنگی به این مرحله از رشد و بالندگی نرسد که ما می‌توانیم، هرگز نمی‌تواند چنین اقتصادی را شکل دهد (شاه‌حسینی و مرادنوری، ۱۳۹۸: ۳۵۲).

در یک دهه اخیر با پررنگ شدن تحریم‌های ظالمانه آمریکا و غرب در قالب تروریسم اقتصادی، شاهد آن هستیم که استقلال‌گرایی به عنوان دال مرکزی خرده گفتمان اقتصاد

مقاومتی پررنگ‌تر شده است. در این بخش اثرگذاری استقلال‌گرایی (در گفتمان انقلاب اسلامی) را بر تحقق ابعاد مختلف خرده گفتمان اقتصادمقاومتی بررسی می‌کنیم.

۷-۱- حمایت از تولید ملی

یکی از زمینه‌های تحقق استقلال اقتصادی و حتی سیاسی برای ایران کاهش واردات و در نتیجه کاهش وابستگی به خارج است. این مهم به‌ویژه در خصوص کالاهایی که می‌توان در داخل آنها را تولید کرد و مانع از خروج ارز از کشور در شرایط تحریمی شد، بسیار دارای اهمیت است. حمایت از تولید ملی در صورت فرهنگ‌سازی مناسب و حمایت حاکمیت همچنین می‌تواند منجر به افزایش اشتغال، کاهش مسئله بی‌کاری، ارتقای کیفی و کمی تولیدات داخلی در افق میان و مدت و بلندمدت، گشودن بازارهای صادراتی تازه، کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی و در نتیجه تقویت استقلال کشور شود. لذا به علت همین راهبری مسئله حمایت از تولید ملی در گفتمان اقتصاد مقاومتی و دال مرکزی استقلال‌گرایی که مقام معظم رهبری می‌فرمایند یک رکن اقتصاد مقاومتی، حمایت از تولید ملی است (بیانات امام خامنه‌ای دامنه‌ای، ۱۳۹۱/۶/۲).

بدیهی است که برای نیل به اقتصاد مقاومتی باید وابستگی‌های خارجی کاهش یابد و برای تولید داخلی کشور و تلاش برای خوداتکایی تأکید گردد. از سوی دیگر هدف اقتصاد مقاومتی در کشور ایجات امنیت، استقلال و عدم تزلزل در برابر شوک‌های خارجی داخلی است و همچنین تأمین شرایط و فعال‌سازی تمام امکانات و سرمایه‌های انسانی و علمی و به حداکثر رساندن مشارکت آحاد مردم در فعالیت‌های اقتصادی از راهبردهای اقتصاد مقاومتی است (رنجبریان، ۱۳۹۷: ۸).

البته ارجحیت و اولویت تولید بر واردات و خرید کالای خارجی مسئله مهمی است که در بسیاری موارد با موانع فرهنگی روبروست. نفی تکاثر درعین تبلیغ کار و تولید ثروت، نفی اسراف درعین ترویج مصرف میانه و... نیز بایستی محور توجه قرار گیرند. بایستی به لحاظ فرهنگی چنان مسئله مطرح شود که جهاد اقتصادی همانند جهاد نظامی مدنظر قرار گرفته و فعالیت مفید اقتصادی امر مجاهدت در راه خدا را داشته باشد (رنجبریان، ۱۳۹۷: ۱۰).

۲-۷- مدیریت مصرف و اصلاح الگوی آن

یکی از مشکلات چند دهه اخیر جامعه ما در عرصه اقتصادی و به ویژه فرهنگی، مصرف‌زدگی و در یک کلام اسراف است. حجم بالای ضایعات و پسماند در کنار سرانه بسیار بالای مصرف آب، برق، گاز و غیره با توجه به استانداردهای جهانی عملاً باعث هدر رفتن منابع و امکانات خدادادی، کاهش صادرات، افزایش واردات و در نتیجه تضعیف استقلال و خودکفایی کشور در عرصه اقتصادی شده است.

لذا مدیریت مصرف، یکی از ارکان مهم در خرده‌گفتمان اقتصاد مقاومتی و دال مرکزی استقلال‌گرایی به شمار می‌رود. در این خرده‌گفتمان، مدیریت مصرف و اصلاح الگوی آن یعنی مصرف متعادل و پرهیز از اسراف و تبذیر. به علت اهمیت این دال شناور در خرده‌گفتمان اقتصاد مقاومتی است که آیت الله خامنه‌ای بر این باور هستند که هم دستگاه‌های دولتی هم دستگاه‌های غیردولتی، هم آحاد مردم و خانواده‌ها باید به ای مسئله توجه کنند که این واقعه یک جهاد است. امروزه پرهیز از اسراف و ملاحظه تعادل در مصرف، بلاشک در مقابل دشمن یک حرکت جهادی است (بیانات امام خامنه‌ای دامپله، ۱۳۹۱/۵/۳). یک بعد دیگر مسئله تعادل در مصرف و مدیریت مصرف این است که ما از تولید داخلی استفاده کنیم. آحاد مردم هم مصرف تولید داخلی را بر مصرف کالاهایی با مارک‌های معروف خارجی که بعضی فقط برای نام و نشان، برای پز دادن، برای خودنمایی کردن، در زمینه‌های مختلف دنبال مارک‌های خارجی می‌روند- ترجیح بدهند. خود مردم راه مصرف کالاهای خارجی را ببندند (بیانات امام خامنه‌ای دامپله، ۱۳۹۱/۵/۳).

بند ۸- سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی، عبارت است از مدیریت مصرف با تاکید بر اجرای سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف و ترویج مصرف کالاهای داخلی. بنابراین مدیریت مصرف نیز یکی از وظایف مشترک دولت و مردم است. در مورد اسراف مردم، لازم است توضیح داده شود که تا حدی، اسراف یک فرد گناه شخصی است. ولی اگر به حدی برسد که نظام اقتصادی را تهدید کند، دیگر فقط یک گناه شخصی نیست و لازم است از طریق قانونی با آن برخورد شود (یوسفی و غفاری، ۱۳۹۵: ۱۳۹). با رونق تولید

داخلی و کاستن از وارداتی که می‌تواند به افول و کم‌رونی و توقف واحدهای تولیدی داخلی منجر شود، استقلال اقتصادی، قطع وابستگی به خارج، ارتقای تکنولوژی در سطح کلان‌تر شکل می‌گیرد (رنجبریان، ۱۳۹۷: ۱۳).

۷-۳- مردمی کردن اقتصاد و مشارکت عمومی

مردمی کردن و مشارکت عمومی عبارت است از دخالت و درگیر شدن مردم در فراگردهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی که بر سرنوشت آنان اثر می‌گذارد (قنبری و دیگران، ۲۰۱۳: ۱۳۹۵). یکی از مهم‌ترین مسائل جمهوری اسلامی در عرصه اقتصاد نیز همین مسئله، یعنی مشارکت مردم در اقتصاد است. چنانکه خود رهبری فرمودند: خود اقتصاد مقاومتی شرایط و ارکانی دارد؛ یکی از بخش‌هایش همین تکیه بر مردم است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۵/۲). نقش مردم در اقتصاد مقاومتی را از دو جهت می‌توان بررسی کرد: نخست آنکه بدون شک یکی از اهداف دشمن از جنگ تمام عیار اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران، فشار بر مردم و بنابراین جداکردن مردم از نظام است: هدف دشمن این بود که بر روی اقتصاد متمرکز شود، به رشد ملی لطمه بزند، به اشتغال لطمه بزند، طبعاً رفاه ملی دچار اختلال و خطر شود، مردم دچار مشکل شوند، دل‌زده بشوند، از نظام اسلامی جدا شوند، هدف فشار اقتصادی دشمن این است (بیانات امام خامنه‌ای عج، ۱۳۹۱/۵/۳). از جهت دوم نیز، می‌توان به این نکته اشاره کرد که یکی از مشکلات مهم و ساختاری اقتصاد ایران، دولتی بودن آن است (یوسفی و غفاری، ۱۳۹۵: ۱۳۱-۱۳۰).

در کشورهای نفتی منطقه غرب آسیا و از جمله ایران که با ساختارهایی وابسته به درآمدهای نفتی اداره می‌شوند، شاهد بزرگ بودن بخش دولتی در کنار ضعف بخش خصوصی، تعاونی و مردمی در عرصه اقتصاد هستیم. بخش تعاون جایگاه شایسته‌ای در اقتصاد ایران ندارد، به طوری که در حال حاضر ۵۶ درصد تعاونی‌های کشور تعطیل هستند، سهم بخش تعاون از اقتصاد ایران حدود ۷ درصد است، سهم بخش تعاون از صادرات ۴/۵ درصد و سهم بخش تعاون از اشتغال در کشور نیز حدود ۷/۴ درصد است. این وضعیت در حالی است که در سطح جهان بسیاری از کشورهای پیشرفته براساس رهیافت‌های

مشارکت توسعه و استفاده از ظرفیت‌های منحصر به فرد بخش‌های مردمی اقتصاد از جمله بخش تعاون به‌عنوان بخش خصوصی نظام‌مند و جامعه‌محور، موفق به راهبری و اجرای بسیاری از پروژه‌های توسعه‌ای شده‌اند؛ نمونه‌های جالب و موفق این موارد، کشورهای چین و هند بوده که در اولی ۱۶۳ میلیون نفر و در دومی ۳۹ میلیون نفر از شاغلان در بخش تعاون مشغول به فعالیت هستند. در ترکیه تعداد تعاونی‌ها گرچه معادل یک‌سوم ایران است، اما در سال ۲۰۱۹ شاغلان بخش تعاون این کشور سه میلیون و ۱۰ هزار نفر بوده است (عبداللهی، ۱۳۹۹).

عدم بازی گرفتن از ظرفیت‌های مردمی و مشارکت عمومی باعث رشد فساد و ناکارآمدی اقتصادی شده است. لذا با مردمی کردن اقتصاد و مشارکت عمومی می‌توان ضمن کاهش این مشکلات شاهد افزایش سرمایه اجتماعی نظام و در نتیجه تقویت موضوع جمهوری اسلامی در برابر رقبای منطقه‌ای و دشمنان خارجی آن با محوریت آمریکا و غرب خواهیم بود. این مهم خود قطعاً به افزایش اعتماد به نفس و استقلال‌گرایی جمهوری اسلامی ایران منجر خواهد شد. لازم به ذکر است حتی برخی دیگر از مولفه‌ها و رویکردهای اقتصاد مقاومتی نظیر درون‌زا بودن نیز وابسته به نقش مردم است (یوسفی و غفاری، ۱۳۹۵: ۱۳۳).

۷-۴- کاهش وابستگی به نفت

از دیرباز نفت و درآمدهای ارزی حاصل از صادرات آن نقش کلیدی در اقتصاد ایران داشته است چرا که در سبد درآمدی دولت از وزن بالایی برخوردار است. وابستگی به نفت و درآمدهای ارزی آن به‌ویژه ابتدای دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ به عامل پرننگی در اقتصاد سیاسی ایران تبدیل شده است. علی‌رغم تمامی اقدام‌ها و شعارهای داده شده در خصوص کاهش وابستگی بودجه به درآمدهای ارزی شاهد وابستگی بیش از ۵۰ درصدی بودجه در بهترین حالت به درآمدهای نفتی هستیم. نفت از کانال‌های مختلف بر اقتصاد ایران اثرگذار است. که شامل سهم دولت از درآمدهای نفتی، سهم صندوق توسعه ملی از درآمدهای نفتی و سهم شرکت ملی نفت از درآمدهای نفتی است (هرورانی و خوشکلام خسروشاهی، ۱۳۹۵: ۴۸). کاهش وابستگی به نفت یکی دیگر از الزامات خرده

گفتمان اقتصاد مقاومتی است. این امر به مفهوم کنار گذاشتن نفت و گاز از اقتصاد ملی نیست، بلکه به معنای جلوگیری از خام‌فروشی نفت و جلوگیری از ایجاد رانت برای افرادی است که با درآمدهای حاصل از نفت و گاز ارتباط نزدیک دارند (میلانی، ۱۳۹۴: ۱۶).

باید اذعان داشت که وابستگی به درآمدهای نفتی منجر به خام‌فروشی، عدم توجه به فعال کردن جدی سایر ظرفیت‌های اقتصادی، گسترش رانت، بیماری هلندی در اقتصاد، آسیب‌پذیری در برابر افت بهای نفت و تحریم‌های ظالمانه غرب به رهبری ایالات متحده آمریکا را فراهم کرده است. وابستگی به درآمدهای نفتی اگر با کاهش بهانی جهانی نفت و افزایش تحریم‌ها همراه شود می‌تواند منجر به فرسایش سرمایه اجتماعی و تولید اعتراض‌ها و اغتشاش‌هایی در کشور را چنانچه که در سال‌های اخیر در چند مورد شاهد بودیم را فراهم کند. وابستگی به درآمدهای نفتی می‌تواند باعث کاهش قدرت چانه‌زنی نظام و تضعیف استقلال‌گرایی و کلیت گفتمان انقلاب اسلامی در برابر گفتمان‌های رقیب را فراهم آورد. به علت وابستگی ارزی به درآمدهای نفتی است که آمریکایی‌ها پس از حوادث فتنه سال ۱۳۸۸ و در دوران ریاست جمهوری باراک اوباما، افزایش فشارها در این حوزه را برای وادار کردن جمهوری اسلامی به کنارگذاشتن مشی استقلال‌گرایانه و حرکت به سمت سازش و دادن امتیاز در پرونده هسته‌ای را در دستور کار خود قرار دادند. با آغاز ریاست جمهوری دونالد ترامپ و خروج او از برجام در سال ۲۰۱۸ یکی از راهبردهای فشار حداکثری و تحریم نفتی و افزایش تولید نفت عربستان سعودی برای وادار کردن جمهوری اسلامی به مذاکره در خصوص برنامه هسته‌ای، توان دفاعی و موشکی و نفوذ منطقه‌ای بود.

همانطور که در کلام مقام معظم رهبری می‌بینیم، اگر بتوانیم از همین فرصت که امروز وجود دارد، استفاده کنیم و تلاش کنیم نفت را با فعالیت‌های اقتصادی درآمدهای دیگر جایگزین کنیم، برگ‌ترین حرکت را در زمینه اقتصاد انجام داده‌ایم (بیانات امام خامنه‌ای دامنه‌السلامه، ۱۳۹۱/۵/۳). تحریم نفت ایران فرصت مناسبی است تا بیماری اساسی اقتصاد کشور در وابستگی به درآمد نفتی درمان شود. جایگزین کردن صادرات غیرنفتی و درآمدهای مالیاتی به جای درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت راهبرد مناسبی است که

باید در جهت افزایش استقلال و خودکفایی در دستور کار مسئولان اقتصادی کشور قرارگیرد. این راهبرد علاوه بر اینکه آسیب‌پذیری کشور را کاهش می‌دهد، خود یک حرکت تهاجمی در برابر افزایش قیمت نفت و ضربه به منافع اقتصادی کشورهای غربی نیز ارزیابی می‌شود (حسین‌پور و دیگران: ۱۳۹۵: ۱۰۸).

بنابراین سازوکارهای خرده‌گفتمان حوزه اقتصادی بایستی به گونه‌ای مورد بازبینی قرار گیرند که تمامی مواردی که وابستگی کشور را به دنبال دارد، شناسایی نموده و در خصوص آن تصمیم‌گیری نمایند. در موارد کم‌اهمیت‌تر می‌توان این حوزه‌ها را متنوع و متکثر نمود تا میزان وابستگی کشور کاهش یابد. در موارد خاصی نیز ممکن است جایگزین‌سازی کامل مدنظر قرارگیرد. برخی از سیاست‌هایی که در این خصوص قابل طرح‌اند عبارت است از جایگزینی درآمدهای جاری به جای نفت مانند مالیات و درآمدهای ترانزیتی (رنجبریان، ۱۳۹۷: ۹).

۷-۵- اقتصاد دانش بنیان

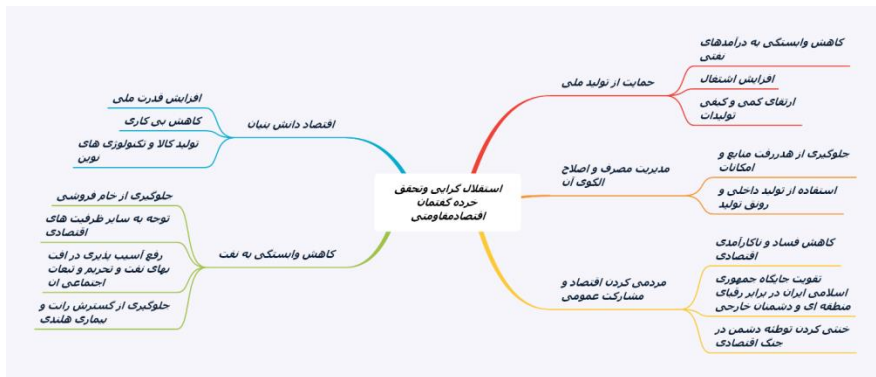
فوکو قدرت و دانش را دارای چنان پیوند تنگاتنگی می‌دانست که عبارت «قدرت دانش^۱» را درباره آن به کار می‌برد (چرنوف، ۱۳۹۰: ۳۲۴-۳۲۵). دانش زیربنایی‌ترین رکن در خرده‌گفتمان اقتصاد مقاومتی است، قرار دادن همه کارها و فعالیت‌ها بر اساس علم است، یعنی همه کارها و فعالیت‌ها باید بر بنیان دانش استوار باشد (حسن‌پور و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۰۹). اقتصاد دانش بنیان اقتصادی است که کاربرد دانش و اطلاعات در آن اهمیت بالایی داشته و تولید و توزیع، مبتنی بر آن شکل گرفته و سرمایه‌گذاری در صنایع محوریت دانش مورد توجه خاصی قرار گرفته است (رضائی و وثوقی، ۱۳۹۵: ۹۵). با تقویت اقتصاد دانش بنیان می‌توان ضمن افزایش قدرت ملی، حرکت به سمت پیشرفت، کاهش بی‌کاری، استفاده از ظرفیت نیروهای جوان و تحصیلکرده، کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی و افزایش صادرات غیرنفتی به افزایش نفوذ ایران در عرصه منطقه‌ای، جهان اسلام و حتی مقیاسی جهانی دست زد. با تقویت اقتصاد دانش بنیان شاهد اعتبار بین‌المللی ایران و تولید کالاها و تکنولوژی‌های نوین و سطح بالا

خواهیم بود. لذا توجه به اقتصاد دانش بنیان از سوی سیاست‌گذاران به تقویت دال شناور استقلال‌گرایی و خوداتکایی منجر خواهد شد. به علت اهمیت این مسئله است که شاهد توجه به اقتصاد دانش بنیان به عنوان یکی دال‌های شناور خرده گفتمان اقتصاد مقاومتی با دال مرکزی استقلال‌گرایی هستیم. همانطوری که مقام معظم رهبری هم بیان کردند، یکی از بخش‌های مهمی که می‌تواند اقتصاد مقاومتی را پایدار کند، همین شرکت‌های دانش بنیان است (بیانات امام خامنه‌ای دامپظله، ۱۳۹۱/۵/۸). توسعه شرکت‌های دانش بنیان یکی از راهبردهای مهم و اثرگذار جهت تحقق اقتصاد مقاومتی است اقتصاد دانش بنیان اقتصاد متکی بر تولید ملی حاصل بر فناوری روز و پیشرفته بومی و یا ملی است. ویژگی این فناوری هم بومی بودن و پیشرفته بودن آن است تا محصول حاصل از این فناوری قابل رقابت با رقبای خود بوده و اقتصاد متکی بر این تولیدات نیز یک اقتصاد قوی و رقابتی با ارزش افزوده بالا و ایجاد ثروت ملی مناسب باشد. اگر شرکت‌های ما دانش و فناوری پیشرفته برای تولید محصولات مورد نیاز جامعه و صنعت را داشته باشند و محصولات آنها نیز توسط صنعت و جامعه مورد استفاده قرار بگیرد، اقتصاد دانش بنیان به وسیله شرکت‌های دانش بنیان شکل می‌گیرد (رضائی و وثوقی، ۱۳۹۵: ۹۷). رسانه‌ها و فضای مجازی می‌توانند با توسعه اقتصاد دانش بنیان، به راه‌انداختن کسب و کارهای اینترنتی، اجرای شبکه ملی اطلاعات، و تبدیل خدمات فضای مجازی به نقدینگی، مشکلات اقتصادی را ترمیم کنند. با عنایت به رئوس اقتصاد مقاومتی و وجود نیروهای متخصص و تحصیلکرده، وجود بازارهای مناسب داخلی، منطقه‌ای و حتی جهانی از یک سو و هم‌چنین تلاش غرب و به ویژه آمریکا برای فشار اقتصادی بر ایران در قالب تحریم‌های ظالمانه که به دلیل برخی وابستگی‌های کشور به درآمدهای ناپایدار نفت خام از سوی دیگر، توجه به توسعه استارت‌آپ‌ها و اپلیکیشن‌ها را در چارچوب گفتمان اقتصاد مقاومتی در صورت فراهم نمودن زیرساخت‌های فنی آن دوچندان کرده است (عابدی گناباد و دیگران، ۱۳۹۸: ۳۲۵).

نتیجه‌گیری

گفتمان انقلاب اسلامی که از دهه ۱۳۴۰ مطرح شد با هدف دگرگونی در وضعیت موجود و به عنوان گفتمانی ایدئولوژیک، شکل گرفت، با تکیه بر اعتقادات اسلامی اهدافی همچون عدالت،

پیشرفت و استقلال را دنبال می‌نمود. این گفتمان به عنوان نوعی اعتراض اجتماعی و سیاسی علیه عناصر سازنده گفتمان پهلویسم بروز و ظهور یافت و این امر از اصطکاک و دیالکتیک میان گفتمان مسلط شباهت با غرب و پادگفتمان‌های تفاوت با غرب به وجود آمد. اسلام سیاسی فقاهتی با برداشت امام خمینی از مفهوم ولایت فقیه، فقه و روحانیت شیعه به عنوان مفسران اصلی شریعت به عنوان دال مرکزی گفتمان انقلاب اسلامی ایران پس از برتری یافتن در رقابت با سایر گفتمان‌ها و جریان‌های مذهبی و غیرمذهبی فعال در انقلاب، مطرح شد. در این معنا و پس از تجلی یافتن گفتمان انقلاب اسلامی در نظام برآمده از آن، شاهد نوعی شیفت پارادام یا شیفت گفتمان در فضای داخلی و سیاست‌های خارجی ایران بودیم. تغییری که استقلال‌خواهی را به محور اصلی شعارهای انقلاب، که همگی بر قطع وابستگی از قدرت‌های غربی و استقلال همه‌جانبه ایران تأکید داشتند مبدل ساخت. نویسندگان این مقاله بر این باور هستند که استقلال‌گرایی به عنوان یکی از شعارهای محوری انقلاب اسلامی به عنوان یکی از دال‌های شناور این گفتمان مطرح می‌باشد. در این فضا و با مطرح شدن سیاست‌های موسوم به اقتصاد مقاومتی در سالهای پایانی دهه ۱۳۸۰، خرده‌گفتمانی با عنوان اقتصادی مقاومتی از داخل گفتمان انقلاب اسلامی بروز یافته است که دال مرکز آن مفهوم استقلال‌گرایی است. این خرده‌گفتمان بر مبنای دال مرکزی‌اش از طریق مفاهیمی چون حمایت از تولید ملی و مصرف کالای داخلی، مدیریت مصرف و اصلاح الگوی آن، مردمی کردن اقتصاد، کاهش وابستگی به نفت و اقتصاد دانش بنیان مفصل‌بندی گردیده است. نمودار زیر خلاصه‌ای از اثرگذاری استقلال‌گرایی بر تحقق ابعاد مختلف اقتصاد مقاومتی را نشان می‌دهد.



کتابنامه

- ادیب‌زاده، مجید (۱۳۸۷). زبان، گفتمان و سیاست خارجی: دیالکتیک بازنمایی از غرب در جهان نمادین ایرانی. تهران، نشر اختران.
- بصیرتی، محمدکاظم، افتخاری، اصغر، و سید جواد امینی (۱۳۹۵). نقش گفتمان انقلاب اسلامی در هم‌افزایی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران. پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۴(۶)، ۳۷-۷۶.
- بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir>.
- جهان‌بین، فرزاد، و معینی‌پور، مسعود (۱۳۹۳). فرآیند تحقق تمدن اسلامی از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای. انقلاب اسلامی، ۱۱(۳۹)، ۲۹-۴۶.
- چرنوف، فرد (۱۳۹۰). نظریه و زبر نظریه در روابط بین‌الملل. (علیرضا طیب، مترجم). تهران، نشر نی.
- حسین‌پور، داوود، رضائی‌منش، بهروز، و محمدی‌سیاهبومی، حمیدرضا (۱۳۹۵). رابطه مدیریت جهادی و استراتژی‌های اقتصاد مقاومتی. پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ۲۳(۷۹)، ۹۹-۱۲۲.
- حسینی‌طهرانی (۱۴۳۶). وظیفه فرد مسلمان در احیای حکومت اسلام. (محسن سعیدیان، مصحح). مشهد، علامه طباطبایی.
- حقیقت، سیدصادق (۱۳۹۱). آسیب‌شناسی رشته علوم سیاسی در ایران. راهبرد فرهنگ، ۱۹(۱)، ۷۸-۵۳.
- حقیقت، صادق، و حسینی‌زاده، سیدمحمدعلی (۱۳۸۷). گفتمان در رهیافت و روش در علوم سیاسی. تهران، سمت.
- خاری‌آرانی، مجید، و علی‌اکبرزاده‌آرانی، زهرا (۱۳۹۴). مبانی و مولفه‌های تمدن نوین اسلامی با تاکید بر اندیشه‌های مقام معظم رهبری. مجموعه مقالات همایش ملی تمدن نوین اسلامی. دری‌نوگورانی، حسین، و صالح اصفهانی، اصغر (۱۳۹۲). اقتصادمقاومتی در جمهوری اسلامی ایران. تهران، راه فردا.
- دنگچی، مهدی (۱۳۹۴). احیای تمدن اسلامی از نگاه امام خمینی و مقام معظم رهبری. فرهنگ پژوهش، ۸(۲۲)، ۳۱-۵.

- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۶). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران، سمت.
- رضایی، محسن، و وثوقی، علیرضا (۱۳۹۵). نقش شرکت‌های دانش‌بنیان و پارک‌های علو و فناوری در تحقق اقتصاد مقاومتی. مطالعات مدیریت و حسابداری، ۲(۴)، ۹۳-۱۰۰.
- رمضانی، روح‌الله (۱۳۸۶). چهارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. (علیرضا طیب، مترجم). تهران، نشر نی.
- رنجبر اردکانی، صمد (۱۳۹۶). موانع تحقق اقتصاد مقاومتی در جمهوری اسلامی ایران. رهیافت انقلاب اسلامی، ۱۱(۳۹)، ۱۶۰-۱۴۱.
- رنجبریان، رسول (۱۳۹۷). نقش اقتصاد مقاومتی در مقابله با تحریم‌های اقتصادی کشور. ماهنامه اقتصاد: کار و جامعه، ۲۲۳(۲)، ۱۸-۴.
- رهبری، مهدی (۱۳۸۶). شکل‌گیری گفتمان انقلابی در ایران. پژوهش حقوق و سیاست، ۹(۲۳)، ۸۹-۱۱۴.
- زرگر، علی اصغر (۱۳۷۲). تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در دوره رضاشاه. (کاوه بیات، مترجم). تهران، پروین.
- ستوده، محمد (۱۳۹۳). نقد و بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- شاه حسینی، سیدرضا، و مرادنوری، مهدی (۱۳۹۸). نقش بسیج در فرهنگ‌سازی اقتصاد مقاومتی. مجموعه مقالات همایش ملی تحقق اقتصاد مقاومتی در استان گیلان، کرج، پیدار.
- شعبانی، احمد، و نخلی، سیدرضا (۱۳۹۳). مولفه‌های اقتصاد مقاومتی در ادبیات رایج و در بیان مقام معظم رهبری. آفاق امنیت، ۷(۲۵)، ۵۵-۸۸.
- شعبانی، قاسم (۱۳۸۵). حقوق اساسی و ساختار حکومت در جمهوری اسلامی. تهران، اطلاعات.
- صولتی، مهران (۱۳۹۳). سوزده، گفتمان و علوم انسانی. تهران، دات.
- عابدی گناباد، رضا (۱۳۹۳). عدم پیروی از سلطه‌گر به عنوان یکی از شاخص‌های پیشرفت، دسترسی در: <http://www.borhan.ir/NSite/FullStory/News/?Id=7180>

- عابدی گناباد، رضا (۱۳۹۶). گفتمان جمهوری اسلامی در خاورمیانه و چالش‌های پیش‌رو. مشهد، دانشگاه بین‌المللی امام رضا ع.
- عابدی گناباد، رضا و حجت آرمال طاهری (۱۳۹۷). گفتمان جمهوری اسلامی در غرب آسیا و شمال آفریقا. تهران، سنجش و دانش.
- عابدی گناباد، رضا و دیگران (۱۳۹۸). گفتمان‌سازی اقتصادمقاومتی با تکیه بر فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی. مجموعه مقالات همایش ملی تحقق اقتصادمقاومتی در استان گیلان، کرج، پیدار.
- عبداللهی، مهدی (۱۳۹۹). بازدهی اقتصادی تعاونی‌های ترکیه ۶ برابر ایران. دسترسی در: <http://farhikhtegandaily.com/news/45346>.
- عبدالمالکی، حجت (۱۳۹۵). اقتصادمقاومتی احیای گفتمان اقتصادی انقلاب اسلامی است. دسترسی در: <https://www.mehrnews.com/news/3588775>.
- عبدالمالکی، حجت الله (۱۳۹۳). اقتصاد مقاومتی؛ درآمدی بر مبانی، سیاست‌ها و برنامه عمل. تهران، بسیج دانشجویی دانشگاه تهران.
- فرکلاف، نورمن (۱۳۹۵). تحلیل گفتمان انتقادی. در: تحلیل گفتمان سیاسی؛ امر سیاسی به مثابه یک برساخت گفتمانی. (امیر رضائی پناه و سمیه شوکتی مقرب، مترجم). تهران، تیسار.
- فوکو، میشل (۱۳۷۷). ایرانی‌ها چه رؤیایی در سر دارند؟. (حسین معصومی همدانی، مترجم). تهران، هرمس.
- فوکو، میشل (۱۳۷۹). ایران، روح یک جهان بی‌روح. (نیکو سرخوش و افشین جهان دیده، مترجمان). تهران، نشرنی.
- قنبری، سمیه، آذرشب محمدتقی، و موسوی، سیدمحمدرضا (۱۳۹۵). استحکام درونی قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه‌ی مقام معظم رهبری؛ با تأکید بر مولفه‌های دفاعی-امنیتی. پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، ۶(۴). ۱۹۳-۲۱۲.
- قهرمانی، مریم (۱۳۹۳). ترجمه و تحلیل انتقادی گفتمان رویکرد نشانه‌شناختی. تهران، نشر علم.
- گازیوروسگی، جی. اف (۱۳۷۱). سیاست خارجی آمریکا و شاه. (فریدون فاطمی، مترجم). تهران، نشر مرکز.

محمدی، منوچهر (۱۳۹۲). دستاوردهای کلان انقلاب اسلامی در سطوح ملی، منطقه‌ای، جهانی و تاریخی. قم، دفتر نشر معارف.

مطهرنیا، مهدی (۱۳۸۲). مقدمه‌ای بر تحلیل ادبیات گفتمان انقلاب اسلامی. تهران، پرسمان.
 مک دائل، دایان (۱۳۸۰). مقدمه‌ای بر نظریه‌های گفتمان. (حسین علی نوذری، مترجم). تهران، فرهنگ گفتمان.

موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۲). فرازهایی درباره استقلال. تهران، ستاد بزرگداشت امام خمینی.

موسوی زاده، علیرضا، و جاودانی مقدم، مهدی (۱۳۸۷)، نقش فرهنگ ملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. دانش سیاسی، ۴(۸)، ۲۲۶-۱۸۷.

میلانی، جمیل (۱۳۹۴). اقتصاد مقاومتی و خودباوری ملی، فرصت‌ها و چالش‌های تحقق آن. مجله اقتصادی، ۱۵(۸۷)، ۵-۲۲.

نصری، محسن (۱۳۹۱). ایران دیروز، امروز، فردا؛ تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران. قم، نشر معارف.

هرورانی، حسین، و خوشکلام خسروشاهی، موسی (۱۳۹۵). اقتصاد مقاومتی و راهبرد جمهوری اسلامی ایران جهت مقابله با رویکردهای خصمانه آمریکا و عربستان سعودی در بازار نفت. سیاست‌های مالی و اقتصادی، ۴(۱۵)، ۷۰-۴۳.

هنری، یدالله، و آزرمی، علی (۱۳۹۲). تحیل فرآیند استقرار و انسجام‌یابی گفتمان انقلاب اسلامی ایران بر اساس نظریه گفتمان لاکلا و موفه. پژوهشنامه انقلاب اسلامی. ۲(۸)، ۹۵-۱۱۸.

یوسفی، احمدعلی، و غفاری، مجتبی (۱۳۹۵). نقش مردم در اقتصاد مقاومتی (با تأکید بر بیانات رهبر معظم انقلاب). پویش‌های اقتصاد مقاومتی، ۱(۱)، ۱۴۲-۱۱۳.

Foucault, M (1981), The order of discourse. In r, young. (eds). Untying the text. London: routledge.

Foucault, M (1989), The Archaeology of Knowledge, Translated by A. Sheridan, London: Routledge.

Laclau, E. & Chantal mouffe (1985). Hegemony and Socialist Strategy: Towards a Radical Democratic Politics. London: verso.